خبر

## تجدید خاطره سینمایی با دفاع مقدس

به همت انجمن سینمای انقلاب و دفاع‌مقدس بنیاد فرهنگی روایت فتح در روز اول ویژه‌برنامه سه روزه هفته فیلم دفاع مقدس در فرهنگسرای نیاوران، فیلم کوتاه «آمبولانس» به کارگردانی حسین محروقی و فیلم کوتاه «بشقاب پرنده» به کارگردانی زهرا یزدان‌پناه، رونمایی و اکران شد. فیلم کوتاه آمبولانس، بر اساس فیلمنامه‌ای از رشید پژمان و حسین محروقی و طرحی از محسن فینی‌زاده و به کارگردانی حسین محروقی تولید شده است. در خلاصه داستان این فیلم کوتاه آمده است: «در امتداد جاده‌ای به سوی ابدیت... فقط همین»! دومین فیلم کوتاهی که روز دوشنبه رونمایی شد، فیلم کوتاه بشقاب پرنده به نویسندگی و کارگردانی زهرا یزدان‌پناه و تهیه‌کنندگی سعید نجاتی و سید حمیدرضا منتظری بود. در خلاصه فیلمنامه فیلم که از برگزیدگان جشنواره فیلم مقاومت است، آمده است: «میرآب پسر خیال‌پرداز ۱۰ ساله که در تصوراتش با موجودات فضایی ارتباط دارد، در پی بازی با بچه‌ها در مزرعه گندم، شیئی پیدا می‌کند که فکر می‌کند بشقاب پرنده است و برای بردن او به فضا آمده است.» در این برنامه که به مناسبت هفته دفاع‌مقدس و با گرامیداشت یاد و خاطره شهید مصطفی صدرزاده برگزار می‌شود، شش اثر از فیلم‌های کوتاه تولید شده در این انجمن رونمایی و اکران و سه عنوان کارگاه آموزشی تخصصی با رویکرد انتقال تجربه نیز در این رویداد برگزار خواهد شد.



نگاه

امیرحسین دهقانی | نویسنده و منتقد

## رضا در «کیمیا»

### قهرمان سینمای جنگ

بدون شک بسیاری از پژوهشگران صاحب‌نظر در حوزه ادبیات سینمایی ممکن است در انتخاب تک‌چهره‌ای ماندگار از سال‌های دفاع‌مقدس که توسط فیلمسازی چون احمدرضا درویش خلق شده باشد، برای شخصیت‌هایی چون رضا (در فیلمی با خصوصیات کیمیا) و زینال حمیداوی (در اثرش با ویژگی‌های دوئل) دچار نوعی تردید شوند.

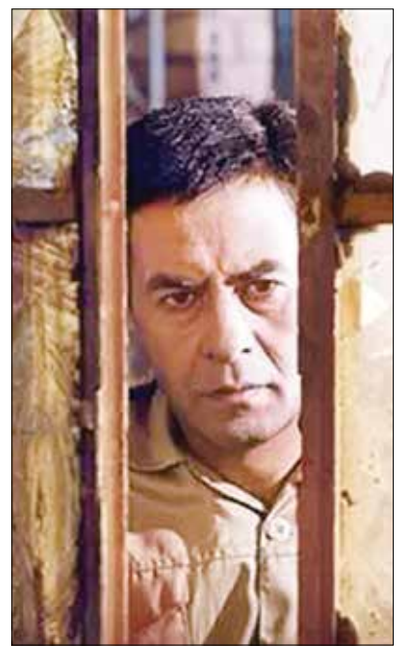

این تردید و تشکیک اما به قدری دلپذیر و لذتبخش است که همان جادوی آشنای هنر هفتم را در ذهن متبادر می‌سازد. جادویی که به‌راستی در انتخاب چهره‌هایی چون زینال یا رضا که هر دو نیز سال‌های بسیاری از زندگی خویشتن را در اردوگاه‌های اسرای جنگی به سر برده‌اند، نقشی تاثیرگذار را به عهده می‌گیرد و لذت گزینش را باتوجه به سلیقه‌های متفاوت حاکم بر احساسات و دیدگاه‌های مخاطبان گسترده سینما به دو صد چندان می‌رساند اما آنچه فراهم آورنده این مجموعه را به انتخاب انسانی چون رضا به عنوان شخصیتی باورپذیرتر و در عین حال دوست‌داشتنی‌تر از میان آدم‌های خلق‌شده توسط احمدرضا درویش هدایت کرده و واداشته است، مظلومیتی است که از مشاهده و درک ماهیت وجودی این پرسوناژ به دوستداران سینمای جنگ منتقل می‌گردد.

به عنوان مثال هنگامی که در سکانس مستندگونه ابتدای فیلم، رضا رو به دوربین فیلمبرداری می‌کند و از اعضای گروه فیلمبرداری او یا درواقع از تماشاگران فیلم درخواست یک عدد سیم رابط - برای روشن کردن ماشین خود - را مطرح می‌سازد، احمدرضا درویش به صورتی مستقیم به درگیر ساختن تماشاگر اثر خود به سرنوشت انسانی چون رضا توجه نشان می‌دهد و مخاطب فیلم را ترغیب می‌سازد که وجود دراماتیک موجود در زندگی این آدم را در کانون تمرکز خود قرار دهد.

اما دیدنی‌ترین فصلی که به معرفی واقعیت درونی شخصیت رضا می‌پردازد در فصل ماقبل نمایی کیمیا قرار گرفته است یا آنجا که رضا عکس دخترک عزیز خود را پشت به نمایی زیبا از حرم امام هشتم (ع) قرار می‌دهد و با نوعی بغض و اندوه، صرفا واژه‌ای چون «بابایی» را به زبان جاری می‌سازد. این که انسانی - هرچند آمده از سرزمین نمایش نمایش و بازی - ناخواسته و در بطن یک مرکزیت مذهبی، از تنها دارایی به‌جامانده خود خانواده از هم‌گسسته بگذرد و خوشبختی او و دیگران را در یکدیگر ترکیب سازد، فقط از عهده شخصیتی چون رضا برمی‌آید که در همان نمای رو به حرم ویژگی‌های عقیدتی و بیان نشده خود را نیز بیان می‌کند.

### ثبت خاطرات، کلید صندوقچه دفاع‌مقدس است

# جانبازان؛ گنجینه روایت



امیرحسین دهقانی
گروه فرهنگ و هنر

رهبر انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت سالگرد آغاز جنگ تحمیلی در سال ۶۸ نوشته‌اند: «از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی که توان انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم از ثبت و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام‌نشدنی را برای آیندگان به ودیعه بگذارند.»

تا ۴۰ سال قبل، نبرد شخصیت‌های اسطوره‌ای با اهریمنان محدود به افسانه‌ها بود اما ایران ما در این چهار دهه شاهد ظهور ابرقهرمانانی است که در دنیای واقعی با شیطان‌های بزرگ و کوچک به نبرد برخاستند. شهدای انقلاب، دفاع‌مقدس و مدافعان حرم، نمونه چنین اسوه‌هایی هستند؛ مردانی که همچون رستم، سر دیوها را بریدند، همچون سیاوش از آتش خشم و کین بدکیشان گذشتند و چون آرش کمانگیر همه جان خود را برای حفظ مرزهای ایران فداکردند. اما دریغ که بسیاری از این دلیران، هنوز هم برای بسیاری از مردم و به‌ویژه نسل جدید شناخته شده نیستند! ما نام این بزرگان را هر روز می‌شنویم. نام بسیاری از میادین، خیابان‌ها و بزرگراه‌ها با اسامی شهدا مزین شده است، غافل از این‌که مرام و مسیری که این شهدا طی کردند، بزرگراه‌های رهایی بخش برای رسیدن به جامعه آرمانی است.

### رزمندگان غریب

سرگذشت و سرنوشت بسیاری از شهدای انقلاب و دفاع مقدس، تکان‌دهنده است. ما با برخی از این بزرگان آشنایی نسبی داریم، مثلا شهید قاسم سلیمانی چون در زمانه ما زندگی کرد و به شهادت رسید، برای‌مان آشناتر است اما خیلی از قهرمانان انقلاب و دفاع مقدس برای ما غریب هستند. شهید احمدعلی نیری را کمترمی‌شناسیم اما او شاگرد درس اخلاق مرحوم آیت‌ا... حق‌شناس بود و به چنان درجه‌ای از خلوص و معرفت رسید که استاد، مجذوب بزرگی شاگردش شد، طوری که بعد از شهادتش در عملیات والفجر۸ و در تشییع او، آیت‌ا... حق‌شناس گفته بود «بروید در این تهران بگردید و ببینید کسی مانند این احمد آقا پیدا می‌کنید؟!» اما رسیدن به این مقام و درجه، حاصل ده‌ها سال زهد و عبادت نبود، چون شهید احمدعلی نیری وقتی به شهادت رسید فقط ۱۹ سال داشت!

### فاتح آسمانی

شهید عباس بابایی، این فاتح آسمانی با همه بزرگی‌اش و در دوران فرماندهی، یک بار به‌جای سربازی به نگهبانی ایستاده بود و... همه شهدای ارتش جمهوری اسلامی ایران چنان روح بزرگی داشتند که در کالبد خاکی آنها نمی‌گنجید و باید به جایگاه واقعی خودشان می‌رسیدند. متأسفانه بسیاری از مردم از روح باعظمت و خدمات کم‌نظیر قهرمانان ارتش، آگاهی چندانی ندارند و باید درباره این افراد روشنگری شود تا مردم با چنین شخصیت‌هایی که از جان و دل برای این کشور مایه گذاشتند، آشنا شوند. بدون تردید مردمی که با شخصیت و روحیات این اسوه‌ها آشنا باشند، کمتر به مسیر اشتباه می‌روند. چه بسیار آثار هنری بزرگی که با الهام از این اسطوره‌های واقعی می‌شد خلق کرد و خلق نشد. با بهره از حماسه‌های امثال این سرداران و شهدا، می‌توانستیم شاهنامه‌هایی سرود که پایان‌شان نه با تخیل و افسانه که با نبوغ و حماسه‌های این بزرگان خوش بود!

### نوری برای تغییر

شهید ابراهیم هادی، یکی از قهرمانان بی‌بدیل دوران دفاع‌مقدس بود اما همان اندازه که زندگی و شهادت این شهید شنیدنی و خواندنی است ماجرای تحول برخی از جوانان بعد از آشنایی با وی تکان‌دهنده است. زندگی و مرام تابناک شهید ابراهیم هادی، سیاهی زندگی برخی را به روشنایی تغییر داد. این منش‌ها و رفتارها، فرهنگی به همراه داشته که امروزه به‌نام دفاع‌مقدس شناخته شده و باید ثبت و ضبط شود. فرهنگی که اگر زنده بماند، انقلاب را بیمه می‌کند و سندی بر پشتیبانی ملت از حکومت است.

دفاع مقدس فقط میدان جنگ نبود، بلکه تجلی و فوران یک فرهنگ بود. شاید اغراق نباشد اگر بگوییم در آن هشت سال، همه شاخصه‌ها، جنبه‌های فرهنگ و هویت ایرانی ـ اسلامی ما عینی و عملیاتی شد؛ از توحید، خداگرایی، ایمان به معاد تا ادب، غیرتمندی، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، برادری، رادمردی، ازخودگذشتگی، پهلوانی و... حتی ادبیات و هنر ایرانی در پیوند با دفاع مقدس، صیقل خورد و درخشید.

**علیرضا ضابطی جانباز ۷۰ درصد بهترین خاطرات عمر خود را دوران طلایی دفاع مقدس می‌داند**

### نسبت قهرمانان با مردم

در عمق فرهنگی دفاع‌مقدس همین بس که محبوب‌ترین و پرفروش‌ترین فیلم‌های ایرانی، آثاری هستند که بخشی از نور این دفاع را بر پرده سینما تاباندند و پرمخاطب‌ترین کتاب‌های ما در سال‌های اخیر، خاطرات رزمندگان و شهدا بوده‌اند. دفاع مقدس به والاترین شکل ممکن، انسان تراز اسلامی و ایرانی و انقلابی را ظاهر کرد. بعد از پیامبران و معصومان و اولیای الهی، بدون تردید قهرمانان انقلاب و دفاع مقدس از برترین انسان‌هایی بودند که تاریخ جهان به چشم خود دیده است.

اما این قهرمانان چه نسبتی با مردم امروز ما دارند؟ آشنایی جوانان متولد دهه ۸۰ و ۹۰ و همچنین نسل‌های آینده با شهدای انقلاب و دفاع مقدس، چه کارکردهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی امنیتی دارد؟ آیا فقط قشر خاصی از مردم باید با قهرمانان ملی ما ارتباط عاطفی و فکری داشته باشند یا هر طیف و قشری از مردم به این رابطه احتیاج دارند؟

### جانبازان منبعی غنی برای روایت

از پایان جنگ تحمیلی ۳۳ سال گذشته اما برای جانبازان هنوز جنگ تمام نشده است. آنها در کنار تحمل رنج‌های جسمانی، بار مهمی هم بر دوش دارند و آن پاسداری از حقایق دفاع‌مقدس است. هر جانبازی، یک منبع مهم برای ثبت تاریخ جنگ هشت‌ساله و انتقال این تاریخ به نسل‌های آینده است. شهدا حضور جسمانی ندارند اما جانبازان می‌توانند تجربه‌های کم‌نظیر خود را در جبهه و همراهی با شهدا به آینده‌سازان ایران اسلامی منتقل کنند. آنها می‌توانند با انتقال احساسات و ادراکات خود به جوانان، انسان‌سازی کنند و این کاری پیامبرگونه است.

علیرضا ضابطی، جانباز ۷۰ درصد، بهترین خاطرات عمر خود را دوران طلایی دفاع‌مقدس می‌داند. واقعا سادگی، تواضع و بی‌ریایی را فقط می‌توانستی در جبهه ببینی؛ فرمانده با نیرویی که تازه اعزام شده بود هیچ فرقی نداشت، لباس هر دو خاکی بود و گاهی نیروهایی که تازه می‌آمدند، نمی‌فهمیدند چه کسی پوتین‌های آنها را واکس می‌زند و لباس‌های‌شان را می‌شوید، بعد از این‌که فرمانده شهید می‌شد، می‌فهمیدند کار او بوده! این پست و مقام‌های امروزی هیچ جایی در دفاع‌مقدس نداشت و همه یکرنگ و عاشق بودند، همه گوش به فرمان یک نفس گرم امام بودند که بیایند و مهران را آزاد کنند، خرمشهر را آزاد کنند و کاری کنند کارستان. منتظر یک نفس گرم امام بودند تا پشت دروازه‌های بصره برسند. این خلوص همیشه بین بچه‌ها بود و شهدا از بین همه ما گلچین شدند.

فرهنگ دفاع‌مقدس است که تا رزمندگان، ایثارگران و جانبازان هستند ثبت و ضبط شود تا آیندگان بدانند چه مردانی در این سرزمین نفس کشیدن و ایستادند تا بدانند که ما مقتدریم. ما ایستاده‌ایم. برای کشف و ثبت و معرفی حقایق دوران دفاع مقدس، رزمندگان و ایثارگرانی هستند که هوای جبهه را تنفس کرده و آن موقعیت‌ها را تجربه کرده بودند؛ به‌ویژه جانبازان که به‌نوعی شهدای زنده هستند و سخنان و روایت‌های‌شان از جبهه و جنگ، سوز بیشتری دارد.



برش

## مرجع تبیین

**وقتی رهبر معظم انقلاب از دفاع‌مقدس به‌عنوان یک گنج یاد می‌کنند به همین علت است و ما می‌توانیم قرن‌ها از این گنج بهره‌برداری کنیم اما متأسفانه برخی از بچه‌های دفاع‌مقدس خودشان را از این فضا کنار کشیده‌اند و همین مسأله فضا را برای سوءاستفاده‌کنندگان باز کرده و تحریفاتی در دفاع‌مقدس ایجاد شده و این افراد چیزهایی را که در ذهن‌شان است پیاده می‌کنند و این سوءاستفاده‌ها بلای جنگ شده است. ما می‌گوییم خاطرات دفاع‌مقدس را باید کسانی بگویند که توپ وتانک کنارشان منفجر شده، تیر به بدن‌شان خورده، خط مقدم را لمس کرده و کمین دشمن را دیده‌اند. اینها می‌توانند جنگ را بگویند و نشر بدهند. این گنج امانتی است که خداوند در اختیار ما قرا داده و تا روزی می‌درخشد و سرمایه است که خاطرات، زندگی‌نامه، وصایای شهدا، جانبازان و ایثارگران ثبت و ضبط شود و آیندگان به آن دسترسی داشته باشند و بهره‌برداری هنری، ادبی و فرهنگی کنند. ثبت و ضبط خاطرات دوران دفاع‌مقدس کلید این صندوقچه اسرار است که اگر به‌موقع باز نشود، دچار تحریف می‌شود یا به زیر خاک می‌رود و بس...**

**امروز بهترین راه برای نزدیک شدن به شهدا، سیر در وصیت‌نامه و زندگی‌نامه آنهاست. این‌که انسان خودش را به همرزمان شهدا مخصوصا جانبازان نزدیک کند، چون هنوز تعداد بسیار زیادی از جانبازان هستند که بوی شهدا را می‌دهند. در کنار اینها قرار گرفتن و آشنا شدن با زندگی آنان و دردهایی که دارند، باعث نزدیک شدن انسان به شهدا می‌شود.**

قاب

## پایان «صبح اعدام» افخمی

**افخمی پس از سال‌ها تحقیق و پژوهش، گزارش واقعی خبرنگار روزنامه کیهان از مراسم تیرباران طیب حاج رضایی و اسماعیل رضایی را به فیلمنامه «صبح اعدام» تبدیل کرد. صبح اعدام، برشی از لحظات پایانی زندگی طیب حاج رضایی و اسماعیل رضایی است که در پی قیام خونین ۱۵خرداد۱۳۴۲ محکوم به اعدام شدند. داستان این فیلم در فاصله زمانی ساعت ۵ تا ۶و۳۰ دقیقه صبح این روز روایت می‌شود. این فیلم به تهیه‌کنندگی علی شیرمحمدی تازه‌ترین محصول سازمان سینمایی سوره و بنیاد سینمایی فارابی از ۱۷مرداد در شهر تهران کلید خورد و به‌تازگی به پایان رسیده و با پایان فیلمبرداری این فیلم، مراحل فنی‌اش آغاز شده است. با امید به این‌که سرنوشت این فیلم به عاقبت «فرزند صبح» بدل نشود.**



پیشخوان

## انتشار کتاب «فرهنگ سینمای فارسی»



«فرهنگ دو جلدی سینمای فارسی» نوشته وحید علیرضایی زیر نظر فرهاد قائمیان راهی بازار کتاب شد. این کتاب در ۱۱۵۲ صفحه در دو جلد (جلد سخت قابدار و شومیز) در قطع وزیری و شمارگان ۵۵۰ نسخه در نشر عنوان منتشر شده است. در معرفی ناشر از این کتاب آمده است: در فرهنگ سینمای فارسی، اطلاعات بیش از ۱۲۰۰ فیلم ایرانی ساخته‌شده در بازه زمانی سال ۱۳۰۹ تا ۱۳۵۷ شامل خلاصه داستان، ژانر فیلم، لوکیشن، خوانندگان، درجه ارزشیابی و نقد فیلم درج شده است. جلد اول فرهنگ سینمای فارسی، حرف الف تا س و جلد دوم حرف ش تا ی را شامل می‌شود. نمایه ۱۰۰صفحه‌ای در انتهای جلد دوم فرهنگ سینمای فارسی، کارپژوهشی و دسترسی آسان به مطالب و اسامی فیلم‌ها و هنرمندان سینمای ایران را میسر می‌کند. وحید علیرضایی در تالیف این فرهنگ با منتقدان سینما حسن صیقلی و حمید رستمی همکاری کرده، ویراستاری و نمایه‌سازی کتاب توسط مهرنوش مهدوی حامد انجام شده و غلامرضا نباتی مقدم، نمونه‌خوانی آن را به‌عهده داشته است./ ایسنا

رویداد

## ۳ فیلم ایرانی برگزیده جشنواره شیملا هندوستان




فیلم‌های «برای آوا»، «نلامبو» و «نرگسی» موفق به کسب جوایزی از جشنواره بین‌المللی فیلم شیملا که در هندوستان برگزار می‌شود، شدند. نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم شیملا از ۳۱ شهریور تا ۲مهر با حضور بیش از ۶۰ فیلم در بخش‌های کوتاه، بلند داستانی، مستند و موزیک ویدئو برگزار شد. در بخش مسابقه بین‌الملل با حضور فیلم‌هایی از آرژانتین، مصر، ایران، فرانسه، کانادا، ترکیه، بنگلادش و امارات متحده عربی فیلمسازان ایرانی در دو بخش فیلم کوتاه و بلند خوش درخشیدند.

فیلم برای آوا به تهیه‌کنندگی فرانک فروتن و کارگردانی محسن سراجی که در ژانر کودک و نوجوان تولید شده، بهترین فیلم بخش مسابقه فیلم بلند و فیلم نلامبو به کارگردانی عباس خادم‌الرسول بهترین فیلم کوتاه این بخش شد. پیام اسکندری، کارگردان فیلم بلند نرگسی به تهیه کنندگی شهاب حسینی از ایران نیز جایزه بخش مسابقه بین‌الملل را از آن خود کرد. این فیلم به دغدغه بچه‌های سندرم داون می‌پردازد./ مهر